

آرزوی مفید از دیدگاه قرآن و احادیث

خداوند به مدد ابزارهای وجودی که در اختیار انسان قرارداده، از انسان با «تعالوا» دعوت می‌کند.

خداوند به مدد ابزارهای وجودی که در اختیار انسان قرارداده، از انسان با «تعالوا» دعوت می‌کند.

چکیده

خداوند به مدد ابزارهای وجودی که در اختیار انسان قرارداده، از انسان با «تعالوا» دعوت می‌کند. چنانچه انسان از قوه و هم و خیال گذر کند و رتبه وجودی خویش را به عقل، مزین و متعالی نماید، با تکیه بر امید مطلوب که از آن به رحمت الهی تعبیر شده است، پویا و متوکل، راه تعالی را در پیش می‌گیرد و به دعوت خداوند لبیک می‌گوید. گرچه آرزو و امید، ودیعه‌های الهی در ضمیر انسان‌هاست، اما آرزوهای واهی که بدون پشتوانه عقل و عمل، انسان را به خود مشغول می‌کنند، نتیجه‌ای جز حسرت و خسران ابدی در پی نخواهند داشت.

در این مقاله، پس از بررسی معنای لغوی آرزو و امید، به ذکر آیات و احادیثی که انواع آرزو را بیان فرموده، نیز افرادی که آرزوی آنها در قرآن آمده، پرداخته شده است. ضمن پرداختن به آثار و نتایج آرزوهای مذموم و بیان آرزوهای برتر، انواع متعلق آرزو و آیات مربوط به هر یک ذکر شده است. در این تحقیق، ابزار مورد استفاده نشریات، گنَب و اینترنت می‌باشد.

کلیدواژگان

قرآن؛ آرزو؛ امید؛ امل؛ تمتی؛ اسلام

اصل مقاله

مقدمه

آرزو رسیدن به چیزی است که فرد آن را ندارد و داشتن آن را مایه رشد خود می‌داند و مصمم در به دست آوردن آن است. اگر آرزو با تلاش و پشتکار همراه نباشد، انسان را از واقعیت دور می‌کند و به توهم می‌کشاند و ذهن را اسیر و آشفته خود می‌کند و فقط وعده‌های دروغین برای به تأخیر انداختن می‌گردد. پیامبر اکرم(ص) از این امر به عنوان «تسویف» یاد فرموده‌اند: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ بِأَمْلِكَ فَإِنَّكَ يَوْمًا تَسْتَبْطِنُ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنَّ يَكُنْ غَدٌ لَكَ فَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَدٌ لَكَ لَمْ تَدْرِمِ عَلَى مَا فَرَطْتَ فِي الْيَوْمِ. يَا أَبَا ذَرٍّ كَمْ مِنْ مُسْتَقْبِلِ يَوْمٍ لَا يَسْتَكْمِلُهُ وَ مُنْتَظَرِ غَدٍ لَا يَبْلُغُهُ: پیامبر (ص) فرمود: ای ابوذر! بپرهیز از امروز و فردا کردن و تأخیر در انجام آرزوهایت. تو مسئول امروز خود هستی.

اگر فردا هم زنده ماندی، همان گونه باش که دیروز بودی و اگر فردا زنده نبودی، پشیمان نیستی که چرا امروز کوتاهی کردی. ای ابوذر! چه بسیار افرادی که صبح زنده بودند، اما آن روز را کامل نکردند و چه بسیار افرادی که منتظر فردا بودند، اما هیچ وقت آن را درک نکردند. ای ابوذر! به نحوی عمل کن که اگر فردایی درکار نبود، پشیمان نشوی و نگویی ای کاش فلان عبادت را دیروز انجام می‌دادم. فلان کار خیر را انجام می‌دادم. ای کاش، فلانی را اذیت نمی‌کردم. حضرت در اینجا آرزو را به عنوان مثال ذکر می‌کنند و در حقیقت، به انسان‌ها می‌فرمایند در زندگی تأمل کنید» (مطهری، 1378، ج 1: 56). از جمله موضوع‌های گریبانگیر انسان، موضوع آرزومندی و آرزواندیشی است که درحوزه روانشناسی، اجتماعی و دینی قابل بررسی است. در مباحث ارائه شده، در چند بخش بدین رویکرد پرداخته می‌شود:

– منظور از آرزو چیست؟

– دیدگاه قرآن و سنت درباره آرزو و آرزومندی چیست؟

– تفاوت آرزواندیشی با آرزومندی چیست؟

1- معنای آرزو در لغت و اصطلاح

دهخدا در معنای آرزو می‌نویسد: «شهوت، اشتها، قوت جذب ملایم، هوی، هوا...» (دهخدا، 1364، ج 2: 71) و ذیل معنای امید چنین می‌گوید: «آرزو، رجاء، امل، آرمان» (همان، ج 8: 222). میان امید و آرزو این شباهت وجود دارد که در هر دو چشمداشت به چیزی است، اما تفاوت‌های بین آن دو از این قرار است:

- آرزو به گذشته و آینده تعلق می‌گیرد، اما امید فقط در مورد آینده معنا پیدا می‌کند.

- آرزو هم در امور ممکن و هم غیرممکن به کار می‌رود، اما امید فقط در مورد امور ممکن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- شدت خواهش در آرزو بیش از امید است. از این رو، آرزو با «شهوت» و «اشتها» مترادف دانسته شده است.

- در زبان عربی مترادف آرزو کلمات «أمنيّه»، «أمل» و مشتقات آنها است (ر.ک؛ قرشی، 1371، ج 1: 113)، اما مترادف امید، «رجاء» می‌باشد (ر.ک؛ همان، ج 2: 63).

آرزو در اصطلاح عبارت است از خواهش یا چشمداشت و میل قلبی شدید برای وقوع امری در گذشته یا آینده که تحقق آن سخت یا ناشدنی است (ر.ک؛ مصطفوی، 1385، ج 1: 162). همین معنای آرزو در تحقیق حاضر مد نظر است.

آرزو در قرآن و روایات با واژه‌هایی چون «أمانی، أمل، تمتی، لیت، وودوا لو و ...» ذکر شده است:

- وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (البقره/78).

- الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (الكهف/46).

- أُمُّ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمْتَي (التجم/24).

- حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيُحْسِنُ الْقُرِينَ (الرّخرف/38).

- إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (المتحنه/2).

در اسلام، امید و آرزو جایگاه رفیعی دارد تا جایی که در روایات معصومین از امید به عنوان رحمت الهی یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضِيعَتُ وَالِدَهُ وَلَدَهَا وَ لَا عَرَسُ غَارِسٍ شَجَرَهَا» (ری شهری، 79، 1: 184)؛ امید و آرزو، رحمت برای امت من است و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.

3- اقسام آرزو

به طور کلی آرزو را می‌توان از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد:

1-3) از حیث ارزشی (حسن و قبیح)

میزان ارزش هر موضوع با اهدافی که برای آن منظور شده، تعیین می‌شود. اهداف متعالی، محصول موضوع‌های ارزشی و اهداف بی‌مایه نتیجه موضوع‌های ضد ارزشی و یابی ارزش است. نوع آرزوهای بشری نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند مطلوب و مفید یا مذموم و بی‌فایده باشد.

1-1-3) آرزوی مفید از دیدگاه قرآن و احادیث

آرزو از حیث ارزشی به آرزوی صادق و کاذب یا حسن و قبیح قابل تقسیم است. اگر آرزوها متوجه ارزش‌های والای انسانی باشد، یا جنبه مردمی و اجتماعی پیدا کند و در مسیر تکامل و پیشرفت واقعی انسان‌ها و درجات کمال قرار گیرد و انسان را به تلاش و

کوشش بیشتر وادارد، نشانه کمال انسان است. آرزوها و خواسته‌های قرآنی اغلب به شکل دعا از زبان مؤمنان و بندگان صالح خداوند بیان شده است. در بین آیاتی که دعا‌های انبیا را حکایت کرده، می‌توان نشانی از آرزوهای آرمانی آنان را جست که البته این آیات به واقع می‌تواند گامی در جهت اصلاح خواسته‌ها و آرزوهای مردم و جهت دادن آنان به آرمان‌های برتر در زندگی باشد. قرآن از قول حضرت ابراهیم چنین می‌فرماید: رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ دَرَجَاتِنَا أُمَةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ... (البقره/ 128)؛ «ای پروردگار ما! ما را تسلیم خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند، پدید آور».

البته فقط ویژه انبیا هم نیست؛ چنان‌که آیه 193 آل عمران درخواست مرگ با ابرار و محشور شدن در زمره آنان را از ویژگی‌های اولی‌الالباب شمرده است: ... وَتَوَفَّتَا مَعَ الْأَبْرَارِ (آل عمران/ 193). آیه 10 حشر نیز به مؤمنان می‌آموزد که خواسته و آرزویشان را در جهت بنا نهادن جامعه‌ای بر اساس رأفت و رحمت میان برادران ایمانی و خالی از هر گونه کینه و دشمنی قرار دهند: ... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (الحشر/ 10). از دیگر آرزوهای ممدوح که قرآن به آن اشاره دارد، «نیکی‌های ماندگار» است. قرآن مال و پسران را زیور زندگی دنیا می‌داند که شایستگی آن را ندارند تا متعلق آرزوی آدمی قرار گیرند و می‌فرماید: الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (الک‌هف/ 46).

در اسلام همت انسان نیز به اندازه آرزوهای مثبت اوست. هر قدر دامنه آنها گسترده‌تر باشد، همت او والاتر است. از روایات اسلامی چنین برمی‌آید که خداوند به مقدار آرزوها به افراد با ایمان اجر و پاداش می‌دهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، 87، 2: 89). امام علی (ع) درباره بهترین آرزو چنین می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ وَالتَّعَدَادِ الْكَثِيرِ إِنْ تَوَمَّلَ فَخِيرٌ مَأْمُولٌ وَ إِنْ ثَرَجَ فَخِيرٌ مَرْجُوٌّ. خدایا! تو سزاوار ستایش زیبا و شمارش نعمت‌های بی‌پایانی. اگر مورد آرزو قرار گیری، بهترین آرزو شده‌ای و اگر به تو امید بسته شود، بهترین کسی هستی که به او امید بسته می‌شود» (نهج البلاغه/ خ 91).

امید بستن به آنچه که در نزد خدای متعال است، از بزرگترین توفیق‌های انسانی و بهترین آرزوهاست؛ زیرا فقط آنچه نزد اوست، باقی و غیر او فانی است. گرچه مال و فرزند زینت زندگی دنیاست، اما اعمال صالح همچون نماز، روزه، ذکر، صدقات و غیره که زینت سفر آخرت و تا ابد ماندگارند، نیکوترین آرزوهاست. آنچه ابدی و جاودان است، نزد خداست. انسان می‌خواهد یاد و نامش همواره جاودان بماند. پس باید به سوی خدای هستی‌بخش صعود نماید و از هر چه غیر اوست، ببرد؛ زیرا غیر او نابودشدنی و محکوم به نیستی است.

امید به رحمت الهی و حرکت برای رسیدن به او ارزشی بس والا دارد، چنان‌که از فرمایش امام حسن عسکری (ع) به دست می‌آید که می‌فرمایند: «إِذَا تَوَجَّهَ الْمُؤْمِنُ إِلَى مَصْلَاهُ لِيُصَلِّيَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَه يَا مَلَائِكَتِي أَلَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي هَذَا قَدْ انْقَطَعَ عَنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ وَ أَمَلَ رَحْمَتِي وَ جُودِي وَ رَأْفَتِي: زمانی که نمازگزار برای نماز به سوی مکان نمازش توجّه کند، خداوند بلندمرتبه به ملائکه خود می‌فرماید: ای فرشتگان من! آیا نمی‌بینید بنده‌ام را که به تحقیق از همه خلایق به سوی من بریده و به رحمت، بخشش و مهربانی من امیدوار است؟!» (طبرسی، 1383، ج 3: 77).

از سوی دیگر، در بسیاری از سخنان بزرگان آمده که بزرگترین آرزوی شیعیان باید وصال یار و دیدار دوست باشد و آن جز امید رسیدن به زمان موعود و ظهور او نمی‌باشد. شهید مطهری (ره) در این باره می‌گوید: «امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی - انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است (ر.ک؛ مطهری، 1373: 6).

2-1-3 آرزوهای مذموم از دیدگاه قرآن و حدیث

1-2-3 آرزوهای نامعقول

قرآن کریم با ذکر نمونه‌هایی از آرزوهای نامعقول آنها را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

* آرزوی رهایی از عملی که در گرو آن است:

... وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْتَهَا وَ بَيْتَهُ أَمَدًا بَعِيدًا... و آرزو می‌کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد (آل عمران/ 30).

... حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيُثْسِرُ الْقَرِينَ: تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود، می‌گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بدهمنشینی بودی! (الزخرف/ 38).

– يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا: ای کاش خاک بودم (التبأ/40).

– ... يَا لَيْتَنِي لَمْ أَوْتَ كِتَابِيَهْ...: ای کاش هرگز نامه اعمال مرا به من نمی‌دادند (الحاقه/26).

* تمایل به برتری بر دیگران:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا... (آری)، این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند... (القصص/83).

می‌توان گفت از گویاترین سخنان قرآن در این زمینه آیاتی است که پیرامون انسان خیال‌زده سخن می‌گویند و او را به‌خاطر رها کردن عقل و حرکت بر محور تخیل و خیال نکوهش می‌فرماید؛ زیرا هیچ یک از عقیده و سخنان چنین کسی بر اساس برهان و عقل نیست. از این رو، آنچه در بیداری می‌بیند و واقعیت می‌پندارد، از شمار خوابهای آشفته و پریشانی است که در ادبیات قرآن به اضمغات احلام تعبیر می‌شود (ر.ک؛ جوادی آملی، 1389: 348). امام علی (ع) می‌فرماید: «رَغَبْتَكَ فِي الْمُسْتَحِيلِ جَهْلٌ: داشتن آرزوی محال، نشان نادانی است» (آمدی، 1384: ح 1364).

از آنجا که وهم و خیال جزو ابزارهای عقل هستند و از تنزلات و تجلیات آن به‌شمار می‌روند و عقل مباحث کلی را درک می‌کند، درحالی که درک جزئیات به عهده وهم و خیال است. لذا در عوالم عقل، پشیمانی نیست و عقل، منزّه از خطاهای وهم و خیال است. از اینجاست که خداوند در بسیاری از آیات قرآن، انسان‌ها را به تعقل فرامی‌خواند و به سوی حیات طیبه در سایه عقل و دین دعوت می‌فرماید (برای نمونه، التحل/97).

آنان که در دام آرزوهای کاذب افتاده‌اند، در مسیر حرکت به سوی مدارج والای انسانی توقف یا سیر قهقرایی داشته‌اند و به گفته قرآن تمام همّ خود را به لهو و لعب و تفاخر و تکاثر معطوف کرده‌اند: اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ... بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است (الحديد/20).

در آیه سوم سوره مبارکه حجر آمده است: ذُرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ: بگذار آنها بخورند و بهره‌گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی به‌زودی خواهند فهمید! (الحجر/3)؛

بخش اول از مقوله عمل «يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا» و بخش دوم از مقوله اعتقاد «يُلْهِمُ الْأَمَلُ» است. در قسمت نخست خداوند خوردن و بهره‌وری افراطی را تقبیح می‌فرماید، اما کافران تمام همّ خود را دنیا و بهره‌های مادی از آن می‌دانند. اینان چون حیواناتی هستند که جز اصطبل و علف و لذت مادی چیزی نمی‌فهمند و هر حرکتی که دارند، برای همین چیزهاست (ر.ک؛ مکارم شیرازی، 57، 86). خداوند اهتمام به خوردن در میان کافران را به خوردن انعام تشبیه فرموده است: وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ (محمد/12)، چراکه با نگاهی به رفتار حیوانات بارزترین ویژگی آنان خوردن است.

گویی در دنیا وظیفه‌ای جز آن ندارند، اما انسان ندا شده است به ندای تعالو! إِلَى كَلِمَةٍ... (آل عمران/64)؛ یعنی انسان اشرف از آن است که در جایگاه حیوان دچار رکود گردد. در جای دیگر می‌فرماید: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ... (التساء/29). اینها همه هشدارهای خداوند به بندگان است که برای هلاک یا حیات آنان بی‌توجه وجود داشته باشد: لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّتِهِ وَيُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّتِهِ... (الأنفال/42)، تا آنها که گمراه می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد و آنان که هدایت می‌یابند، از روی دلیل روشن باشد.

بخش عملی آیه چه ارتباطی با بخش اعتقادی آن دارد؟! خداوند در احوال این انسان‌ها می‌فرماید: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَصَّرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا... روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند و آرزو می‌کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد (آل عمران/30).

آرزو و میل به دور بودن اعمال گواهی بر نهایت نزدیکی آنان با اعمال ایشان است. این شبهه که عمل در دنیا نابود می‌شود و احضار آن ممکن نیست و ناگزیر پاداش عمل یا نامه عمل دیده می‌شود، ناتمام است؛ زیرا روح عمل یعنی اهداف و نیت‌ها در روح آدمی محفوظ است و هرگز نابود نمی‌شود. آنچه نابود می‌شود، بدنه عمل است که نقشی ندارد. «آمد بعید» فاصله دور زمانی است و آرزوی وجود «آمد بعید» میان شخص و کار بد او ظهور «تسویف» یعنی کار امروز را به فردا انداختن است که در دنیا به آن مبتلا بودند (ر.ک؛ جوادی آملی، 1391، ج 13: 692).

نگاه امیدوارانه با تلاش و فعالیت توأم است، در حالی که واگذار کردن کارها به آینده، رخوت و سُستی به دنبال دارد و گاهی افراد فقط در اوهام خود هستند. به نظر روانشناسان، این نوعی بیماری یا مقدّمه بیماری روانی است، چنان‌که می‌گویند: «اگر قرار باشد که به زمان حاضر توجّه نشود و از فرصت‌هایی که برای شخص فراهم می‌شود، استفاده نگردد، می‌فهمیم که شخص می‌خواهد از زندگی حقیقی و زمان خودش فرار کند. روانشناس به خوبی می‌داند که این مطالب با حقیقت متفق نیست و جز است

دلال غیرمنطقی چیز دیگری نیست. این نوع تفکر راجع به آینده، مضر می‌باشد» (موسوی لاری، 1376، ج 1: 186). مولوی می‌گوید:

«هین مگو فردا که فرداها گذشت

تا به کلی نگذرد ایّام کشت»

(مولوی، 1385، دفتر دوم: ب1394).

امام علی، علیه‌السلام، آرزوهای کاذب را به سراب و آب‌نمایی تشبیه فرموده که تشنه‌کامان را به دنبال خود می‌کشاند، ولی هر لحظه آنها را تشنه‌تر می‌کند (تمیمی آمدی، 1384، ج 5: 438). در جای دیگر می‌فرماید: «كَذَّبَ مَنْ ادَّعَى الْإِيمَانَ وَ هُوَ مَشْغُوفٌ مِنَ الدُّنْيَا بِخُذَعِ الْأَمَانِيِّ وَ زُورِ الْمَلَاهِي: دروغ می‌گوید آن که ادّعی ایمان کند، اما دل‌بسته آرزوهای فریبنده و سرگرمی‌های دروغین دنیا است» (همان، ج 1: 111).

2-2-3 آرزوهای نامتعادل

اگر امید و آرزو از حدّ اعتدال خارج شود و رنگ افراط به خود بگیرد، مفسد جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. قرآن کریم نمونه‌ای از این آفات را در قالب داستان قارون چنین متذکر می‌شود: يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ... (القصص/79). بارها خداوند با جملات لا تُعْجِبُكَ أَمْوَالُهُمُ (التوبه/ 55 و 85) و وَ لَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ (الحجر/ 88 و طه/ 131)، مؤمنان را از نگاه آرزومندانه به سرمایه‌داران و مردم مرفّه بازداشته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَا لَكُمْ تَوَمِّلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَهُ وَ تَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَهُ وَ تَبْنُونَ مَا لَا تَسْكُونُونَهُ؟ شما را چه شده است که چیزی را آرزو می‌کنید که به آن نمی‌رسید و چیزی را گرد می‌آورید که نمی‌خورید؟ و چیزی را بنا می‌کنید که در آن سکونت نمی‌کنید؟» (آمدی، 1384، ج 1: 103).

گرچه آرزو مایه حیات و حرکت است، اما اگر از حدّ متعارف بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز درآید، بدترین عامل انحراف و بدبختی است. در حدیث معروف امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: إِيْتَابُ الْهَوَى وَ طَوْلَ الْأَمَلِ. أَمَّا إِيْتَابُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ» (نهج‌البلاغه/ خ42)؛ یعنی من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوس و آرزوی دراز؛ زیرا پیروی هوس، از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد می‌برد.

پیامبر خدا(ص) نیز می‌فرماید: «مِثْلُ الْإِنْسَانِ وَ الْأَمَلِ وَالْأَجَلِ فَمِثْلُ الْأَجَلِ إِلَى جَانِبِهِ وَ الْأَمَلُ أَمَامَهُ فَبَيْنَمَا هُوَ يَطْلُبُ الْأَمَلَ أَمَامَهُ أَتَاهُ الْأَجَلُ فَاخْتَلَجَهُ: حکایت انسان، آرزو و اجل چنان است که اجل در کنار اوست و آرزو پیشاپیش او، در حالی که آرزو را پیش روی خود دنبال می‌کند ناگاه اجل فرامی‌رسد و او را درمی‌رباید» (ر.ک؛ المتقی الهندی، ج 3: 494؛ ح 7574). به راستی چه افراد شایسته و بااستعداد و لایق که بر اثر گرفتاری در دام آرزوی دراز به موجودات ضعیف و مسخ‌شده‌ای مبدّل گشتند که نه تنها به درد جامعه خود نخوردند، بلکه منافع شخصی خود را نیز پایمال کردند و از هر گونه تکامل بازماندند، چنان‌که در دعای کمیل می‌خوانیم: «وَحَبَسَنِي عَنْ تَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي: آرزوهای دراز مرا از منافع واقعی‌ام محروم ساخت» (حیدری نراقی، 1387: 608).

در سوره مبارکه فرقان آرزوی کافران با کلمه «لَيْتَنِي» بیان شده است. آیات 21 تا 31 این سوره وصف حسرتی است که در مواجهه با حقیقت اعمال خویش دچار آن می‌شوند و دو دست خویش به دندان می‌گیرند. به همین دلیل، در چنین مواقعی آرزو می‌کند: اَي كَاشْ فَلَانْ كَارْ كِهْ دَرِ اثَرِ فَوْتِ اوْ بِهْ چَينِ رُوْزِي دَچارِ شَدَمْ، از من فوت نمی‌شد. از تعبیرات لطیف قرآن، یکی تعبیر وَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدِيهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (الفرقان/ 27) و دیگری تعبیر يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا (همان/ 28) است.

در این تعبیرها در ندا و استغاثه، تدرّجی لطیف به کار رفته است. در آیه اوّل منادی حذف شده است و اشاره به این دارد که او نجات‌دهنده‌ای می‌خواهد که او را نجات دهد و آوردن کلمه «وَيْل» می‌فهماند که برای او روشن شده که دیگر کسی نیست که او را از عذاب نجات دهد و جز هلاکت و فنا دادرسی ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، 1381/76، 15).

در نشئه آخرت که الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ... (الفرقان/26) است. ملک‌ها و ملک‌های اعتباری رخت برمی‌بندد و تنها ملک و مُلک حقیقی ظهور می‌کند و انسان هر تلاشی که در جهت غیرترقی و رشد درونی خویش کرده است، سرابی بیش نبوده است و ثمره واقعی اعمال آنان جز حسرت نیست، چراکه بر اساس وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ... (الأعراف/8) اعمال باطل و حبط شده دارای وزن و ارزشی نمی‌باشند، لذا آن میزانی که در قیامت اعمال با آن سنجیده می‌شود، همانا حق است.

به این معنا که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد، به همان اندازه اعتبار و وزن دارد و چون اعمال نیک مشتمل بر حق است، از این رو، دارای ثقل و سنگینی می‌باشند و بر عکس، عمل بد و سیئه چون مشتمل بر هیچ حقی نیست و باطل صرف می‌باشد. لذا دارای وزن و اعتبار نیست و وزن هر عمل به مقدار حقی است که در آن وجود دارد (ر.ک؛ طباطبائی، 1376، ج 8: 11)، اما امور دنیوی فانی و مصداق هَبَاءً مَّتَّثُورًا (الفرقان/23) هستند.

مراجع

قرآن کریم. ترجمه آیه‌الله ناصر مکارم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (1383). کمال الدین و تمام النعمه. جلد 1. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (1384). عَزَّرَ الْحِکْمَ وَ دُرَّرَ الْکَلِمَ. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (1391). تسنیم. تهران: خانه کتاب.

_____. (1389). حیات حقیقی انسان در قرآن. قم: انتشارات تابان.

_____. (1378). مراحل اخلاق در قرآن. جلد یازدهم. قم: مرکز نشر اسراء.

_____. (1378). معاد در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.

شریف‌الرّضی، محمد بن حسین. (1388). نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: نشر دیوان.

طباطبائی، محمدحسین. (1376). المیزان. جلد پانزدهم. تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی.

قرائتی، محسن. (1375). پرتوی از نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (1390). اصول کافی. تهران: دارالکتب.

المتقی الهندی، علی بن حسام‌الدین. (1409ق.). کنز العمال فی سُنَنِ الْأَقْوَالِ وَ الْأَفْعَالِ. بیروت: مؤسسه الرساله.

محمدی ری‌شهری، محمد. (1385). فرهنگ‌نامه آرزو. قم: دارالحديث.

_____. (1379). میزان‌الحکمه. قم: دارالحديث.

مصطفوی، حسن. (1385). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مطهری، مرتضی. (1373). حکمت‌ها و اندرزها. تهران: انتشارات صدرا.

_____. (1373). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (1377). اخلاق در قرآن کریم. قم: انتشارات امام علی ابن ابی‌طالب (ع).

_____. (1386). برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب اسلامی.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (1389). مثنوی معنوی. تهران: امیرکبیر.

موسوی لاری، مجتبی. (1376). رسالت اخلاق در تکامل انسان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

نویسندگان:

جمال فرزند وحی: استادیار دانشگاه رازی، کرمانشاه

فاطمه سهرابیان: دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی، کرمانشاه

فصلنامه سراج منیر شماره 14